

تحلیل محتوای کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی از منظر میزان توجه به هوش های چندگانه گاردنر

جواد جهان^۱، علیرضا مرادی^۲، شیرزاد قاسمی^۳

^۱ دکترای برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، پردیس شهید رجایی کرمانشاه، دانشگاه فرهنگیان، کرمانشاه، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس شهید رجایی کرمانشاه، دانشگاه فرهنگیان، کرمانشاه، ایران

^۳ کارشناس ارشد روان شناسی عمومی، رییس اورژانس اجتماعی شهرستان چرداول، ایلام، ایران

نام و ایمیل نویسنده مسئول:

علیرضا مرادی

Alirezamoradi46@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی میزان توجه به هوش های چندگانه گاردنر در محتوای کتاب های مطالعات اجتماعی دوره ی ابتدایی انجام شده است. گردآوری اطلاعات به صورت چک لیست و از طریق کد گذاری با بررسی مقالات و پژوهش کتابهای مرتبط با کتاب درسی و جمع آوری متن و تصاویر کتاب درسی صورت گرفته است. در این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی تمام متن، تصاویر و تمرینها مورد بررسی قرار گرفت که از بین مولفه های ذکر شده مولفه هوش مکانی در تمامی زمینه ها با ۱۲۴۶ بار تکرار و درصد فراوانی ۳۷.۴۶ بیشترین و مولفه هوش موسیقایی با سه بار تکرار و درصد فراوانی ۰.۰۹ کمترین مقدار را دارد. تجزیه و تحلیل کتاب از نظر آموزشی و علمی جهت ارائه کاستی ها و بیان ویژگی های مطلوبی کتابهای درسی انجام شده است.

واژگان کلیدی: تحلیل محتوا، مطالعات اجتماعی، هوش های چند گانه

مقدمه

کتاب درسی در نظام آموزشی ایران یکی از مهم ترین منابع یادگیری به شمار می آید. وجود نظام آموزشی متمرکز موجب شد که کتاب درسی محور فعالیت آموزشی برای همه دانش آموزان در مناطق گوناگون و حتی کودکان با توانایی های مختلف باشد که چنین رویه ای جدا از برخی مزایای آن، مشکلات فراوانی را در کشور ایجاد کرده است. حال با توجه به این که کتاب درسی اهمیت زیادی در نظام آموزشی کشور دارد، کارایی و مناسب بودن آن برابر با مطلوب بودن نظام آموزشی و ناکارآمدی آن مساوی با عدم کارایی و ضعف نظام آموزشی است. از این جهت توجه به کتاب های درسی و هماهنگ ساختن آن با توانایی های ذهنی دانش آموزان و مطلوب ساختن کتاب های درسی از حساسیت زیادی برخوردار است [۱].

کتابهای درسی منبع بسیار خوبی برای انتقال مفاهیم برنامه درسی و اصلی ترین و مهمترین منبع یادگیری در نظامهای آموزشی محسوب می شوند [۲].

در نظامهای آموزش متمرکز کتاب های درسی از اهمیت بسیاری برخوردارند و تقریباً عوامل آموزشی بر اساس محتوای آن تعیین و اجرا می شود. کتب درسی به خاطر اهمیت زیادی که در تعیین محتوا و خط مشی های آموزش دارند کانون توجه بسیاری از دست اندرکاران آموزش و پرورش می باشد. در نظام آموزشی همیشه تغییر کتاب بر اساس اهداف مشخص و روشنی نبوده بلکه در پاسخ به پیشنهادها و نظرات معلمین و مربیان آموزش بخشی از کتاب بوده است. همین امر، مسئولان را به آن واداشته است که برای تغییر کل محتوای کتب درسی دست به کار شود و وزارت آموزش و پرورش نیز با صرف هزینه ها و بودجه های فراوان این کار را انجام می دهد. لازم است محتوای کتب درسی بخصوص در دوران کلیدی ابتدایی دقیق و موشکافانه انتخاب و تدوین شوند تا بتوانند این گونه مهارتها را در کودکان پرورش دهند. چرا که به اعتقاد بسیاری از محققان رشته های روانشناسی اجتماعی و شخصیت، رشد به هنجار و رشد کودک، شناخت، علم عصب شناسی، آسیب شناسی روانی، روان شناسی آموزشی و پرورش و روان شناسی مدرسه، توانایی افراد در تنظیم هیجان به محیط تحصیلی خاص آنها ارتباط دارد [۳].

توجه به همه ی ابعاد و علوم تأثیرگذار بر طراحی و تألیف کتب درسی بخصوص در دوره ای حساس چون دوره ابتدایی از اهمیت خاصی برخوردار است. علوم روانشناسی {توجه به حوزه های هیجانی و عواطف و احساسات دانش آموزان}، تکنولوژی آموزشی، برنامه ریزی درسی و اموری مانند هنر در ابعاد گوناگون آن در تألیف کتاب درسی تأثیر و دخالت مستقیم دارند، در فرایند طراحی و تألیف از متخصصان این حوزهها باید بهره جست، فقدان هر کدام از تخصص های مورد نیاز و بی توجهی به آنها کاستی و نقص در متن کتاب باقی می گذارد. [۴]

در حقیقت کتاب درسی یا محتوا در نظام های آموزشی سند مکتوب و مدون تعلیم و تربیت محسوب می شود که فعالیت ها و تجارب یادگیرندگان بر محور آن سازمان دهی می شود. بنابراین محتوای مطلوب کتاب های درسی می تواند دانش آموزان را به چالش فکری وادارد و از جمود فکری و ذهنی رها سازد و پاسخگوی نیازمندی های عصر جدید انسان ها باشد [5]

تحلیل کتاب های درسی به دست اندرکاران و مولفین کتاب های درسی کمک می کند تا در هنگام تدوین، گزینش و تجدیدنظر در کتاب های درسی تصمیمات معقول تری را اتخاذ نمایند. یکی از انواع تحلیل، تحلیل محتواست. تحلیل محتوا یک روش پژوهشی منظم برای توصیف عینی و کمی محتوای کتاب ها و متون برنامه درسی و یا مقایسه پیام ها و ساختار محتوا با اهداف برنامه درسی است. [۶]

گسترش دانش بشری درباره ماهیت و چگونگی یادگیری و رشد مغز در سالهای اخیر بسیاری از پژوهشگران حوزه برنامه درسی را بیش از پیش ترغیب نموده است که هرچه بیشتر و مؤثرتر از این دانش ارزشمند در جهت بهبود یادگیری و آموزش بهره گیرند. نگاهی به سیر تحول رابطه بین علوم اعصاب و تربیت نشان می دهد که آگاهی از ماهیت و چگونگی یادگیری مغز، طراحی برنامه های آموزشی منطبق با نحوه یادگیری مغز دانش آموزان همواره یکی از دغدغه های مهم و اساسی بسیاری از عصب شناسان و مربیان بزرگ بوده است. در واقع می توان گفت که در هر عصری، بسته به سطح دانش بشری از کارکرد مغز و چگونگی یادگیری آن، تفکر و سیاست تربیتی نیز تحت تأثیر قرار گرفته است. طرفداران الگوی طراحی سازگار با مغز با اتکا به مبانی عصب شناختی برنامه درسی، بر این باورند که یادگیری فرایندی است که در مغز دانش آموز رخ می دهد و مغز آنان هنگامی به بهترین صورت یاد می گیرد که مواد و تجارب یادگیری، منطبق با نیازها، توانمندی ها و علایقشان طراحی شود [7]

از آنجا که آموزش و پرورش به دنبال رشد همه جانبه انسان است، در عصر حاضر مبحث تفاوت های فردی بسیار مورد تأکید و توجه متخصصان آموزش و پرورش بوده است. آن ها راهبردهایی به منظور رویارویی با این تفاوتها ارائه نموده اند که از این میان عملی ترین راهبرد، طراحی و برنامه ریزی آموزش و یادگیری بر اساس این تفاوت هاست تا بهترین نتیجه حاصل گردد. در قرن حاضر دو نظریه مهم به منظور توضیح تفاوتهای فردی به وجود آمده که محیط های یادگیری را بر اساس این تفاوت ها دسته بندی می کند. اولین نظریه، سبک های یادگیری است و دومین نظریه، هوش های چندگانه می باشد [8]

مولفی که کتاب درسی را می نگارد از همان ابتدا مخاطب تعریف شده ای در ذهن دارد و تلاش می کند تا محتوای نوشته خود را متناسب با مخاطب نماید. هر قدر این تناسب بهتر و بیشتر برقرار شود ارزش و اهمیت محتوا بالاتر می رود. اهمیت کتاب درسی در این است که به قصد تعلیم و تربیت گروهی خاص طراحی می شود، بنابراین در تالیف آن باید به معیارها متعهد بود. یکی از معیارها، توجه به وجود تفاوت های فردی میان مخاطبان یا همان فراگیران است. فراگیران از قابلیت ها و توانایی های متفاوتی در زمینه مقولات هوشی برخوردارند، به دلیل وجود همین تفاوت های فردی میان فراگیران، مولفین می بایست حوزه ی وسیعی از شیوه های تدوین کتب آموزشی را در مورد فراگیران خود بکار گیرند. یکی از روش های هدفمند تدریس، تهیه و تدوین کتب درسی که به اصل تفاوت های فردی توجه لازم را دارد، روش مبتنی بر هوش های چندگانه است. [۹]

اولین تلاش های تئوری برای توصیف مفهوم هوش به چارلز اسپیرمن (Charles Spearman) در اوایل قرن بیستم نسبت داده می شود که مدل جی (g model) را بسط داد [10]. اسپیرمن در کار خود از تکنیک آماری تحلیل عامل استفاده کرد تا توانایی های مختلف و روابط آنها را با هم بسنجد. سپس در سال 1906 روانشناس فرانسوی آلفرد بینه که بر روی دانش آموزان کار می کرد تا توانایی آکادمیک آنها را بسنجد تست مشهور IQ را ارائه کرد. در چند دهه آینده این تست به عنوان تست استاندارد هوش بینه (Standard-Binet) IQ در آمریکا مورد استفاده قرار گرفت [11].

با انتشار کتاب Frames of Mind در سال 1983 گاردنر مفهوم هوش که در زبان و منطق ریشه داشت را متحول کرد. او معتقد بود که هوش نمیتواند توسط تست IQ اندازه گیری شود و عنوان کرد که هوش های چندگانه مفهوم سنتی هوش را جمع بندی میکند [12]. او هوش را به عنوان یک توانایی بیوفیزیولوژیکی در نظر می گیرد که می تواند مسائلی را حل کند که در یک محیط فرهنگی ارزشمند هستند. در ابتدا او هفت نوع هوش به نام های کلامی-زبانی، منطقی-ریاضیاتی، دیداری-فضایی، موسیقایی، اندامی-جنبشی، میان فردی و درون فردی را ارائه کرد و بعداً هوش طبیعت گرا را به آن اضافه کرد [۱۲]. معتقد است که تمام افراد هر هشت نوع هوش را دارند که به روش های مختلف با هم ترکیب می شوند. هر فرد هوش های قوی و هوش های رشدنیافته ای دارد که می تواند توسط آموزش توسعه یابند. طبق نظر گاردنر، [11] توانایی های فردی می توانند با توجه به ارزش ها و موقعیت های موجود در یک فرهنگ خاص و تصمیمات فردی که توسط اشخاص یا خانواده آنها گرفته می شود فعال شوند.

برخلاف دیگر محققان گاردنر صرفاً به دیدگاه روان سنجی برای آزمون هوش انسانی اکتفا نکرد و و علایم و نشانه هایی از رشته های مختلف مانند روانشناسی، زیست شناسی تکاملی، روانشناسی رشد، و روان سنجی را مورد ملاحظه قرار داد. او هشت معیار را برای هوش در نظر گرفت:

۱. تجزیه بالقوه بوسیله آسیب مغزی
۲. تاریخ تکاملی و معقولیت تکاملی
۳. هسته قابل شناسایی یا مجموعه عملیات ها
۴. قابلیت کد گذاری در یک سیستم نمادین
۵. تاریخ مجزای رشد و مجموعه قابلتعریف عملکرد تخصصی
۶. وجود افراد استثنایی
۷. حمایت تکالیف روانشناختی و
۸. حمایت از سوی نتایج روانسنجی [12]

• هوش زبانی^۱: یعنی توانایی به کارگیری درست لغات، به صورت شفاهی (مثلاً از سوی داستانگو، خطیب یا سیاستمدار) یا به صورت نوشتاری (مثلاً از سوی شاعر، نمایشنامه نویس، ویراستار یا روزنامه نگار). این هوش، توانایی به کارگیری ماهرانه ی نحو (ساختار زبان)، آواشناسی (صداهای زبان)، معناشناختی (معنای زبان) و جنبه های عملی (کاربردهای عملی زبان) را شامل می شود. برخی از این کاربردها عبارتند از: معانی و بیان (به کارگیری زبان برای متقاعد کردن دیگران تا شیوه ی خاصی را در عملکردهای خود به کار گیرند)، فن یادیاری (استفاده از زبان برای به خاطر آوردن اطلاعات)، توضیحات (به کارگیری زبان برای آگاهی بخشیدن) و فرازبان (به کارگیری زبان برای صحبت کردن از خود زبان). [۱۴]

• هوش منطقی-ریاضی^۲: یعنی توانایی استفاده درست از اعداد و ارقام (مثلاً از سوی ریاضی دان، حسابدار مالیاتی یا کارشناس آمار) و بیان استدالات منطقی و درست (مثلاً از سوی دانشمند، برنامه نویس کامپیوتر یا کارشناس منطق). این

¹. linguistic intelligence

². logical-mathematical int

هوش، مستلزم شناسایی الگوها و روابط منطقی، گزاره ها و قضایا، توابع و دیگر امور انتزاعی مربوط است. روش های مختلفی که در این مقوله هوش کاربرد دارند، عبارتند از: طبقه بندی، رده بندی، استنباط، تعمیم، محاسبه، آزمون و فرضیه. [۱۴]

• هوش مکانی^۳: یعنی توانایی درک درست جهان به صورت مکانی _ بصری (مثلا از سوی شکارچی، دیده ور و راهنما) و ایجاد تغییر در این ادراک (مثلا از سوی طراح داخلی، معمار، نقاش یا مخترع). این هوش، مستلزم شناسایی رنگ، خط، شکل، فرم، فضا و رابطه ای است که میان این عوامل وجود دارد و توانایی تجسم و بازنمایی گرافیکی افکار مکانی_بصری را شامل می شود. همچنین به قابلیت فرد برای هوش حرکتی _ جسمانی^۴: یعنی مهارت در به کارگیری کل بدن برای بیان افکار و احساسات (برای مثال از سوی هنرپیشه پانتومیم، ورزشکار و سهولت در به کارگیری دست هابرای ایجاد یا تغییر اشیا مثلا از سوی صنعتگر، مجسمه ساز، مکانیک و جراح).
• این هوش مهارت های فیزیکی خاص از قبیل تعادل، هماهنگی، چالاکی، قدرت، انعطاف پذیری، سرعت و همچنین قابلیت های لمسی را شامل می شود. [۱۴]

• هوش موسیقایی^۵: یعنی توانایی درک (مثلا از سوی آهنگساز)، تشخیص (مثلا از سوی منتقد موسیقی)، تبدیل (به عنوان آهنگساز) و اجرا (به عنوان نوازنده) اشکال موسیقایی. این هوش، مستلزم شناسایی ریتم، ارتفاع یا ملودی و طنین یا رنگ مایه ی یک قطعه موسیقی است. فرد می تواند درکی استعاری یا صعودی_نزولی (برونی_درونی) یا درک معمولی یا نزولی_صعودی (تحلیلی_تکنیکی) یا هر دو را از موسیقی داشته باشد. [۱۴]

• هوش میان فردی^۶: یعنی توانایی درک و تمایز حالات روحی، مقاصد، انگیزه ها و احساسات دیگران. این هوش، مستلزم شناسایی حالات چهره، صداها، ایما و اشارات، توانایی تشخیص انواع مختلف نشانه های بین فردی و توانایی پاسخ گویی صحیح به این نشانه ها با روش عملی است. (مانند تحت تاثیر قراردادن گروهی از مردم برای پیروی از یک الگوی عملکردی خاص). [۱۴]
• هوش درون فردی^۷: یعنی شناخت خود و توانایی عملکرد مناسب براساس آن. این هوش، مستلزم داشتن تصویر روشنی از توانایی ها و محدودیت های فردی، آگاهی از حالات درونی، مقاصد، انگیزه ها، خلق و خو، تمایلات، قدرت خویشتن داری، انضباط فردی، ادراک و عزت نفس است. [۱۴]

• هوش طبیعت گرا^۸: یعنی مهارت در شناخت و طبقه بندی گونه های مختلف گیاهان و جانوران و محیط فردی. این مورد همچنین توانایی شناسایی دیگر پدیده های طبیعی (مانند تشکیل ابرها و کوه ها) و توانایی تشخیص و تمییز اشکال غیرزنده، مانند ماشین ها، کفش های ورزشی و پوشش سی دی ها (در مورد کسانی که در شهر زندگی می کنند) را شامل می شود. [۱۴]
این نظریه پایه ای بر نظریه های کثرت گرا در مورد ذهن شد. [15] هر شخص می تواند سطوح هوشی خود را بهبود بخشد تا زمانی که از آموزش کافی برخوردار باشد [13]

نظریه ی هوش های چندگانه گاردنر از مبانی سرچشمه می گیرد که در آن اعتقاد به وجود توانمندی های عقلانی متفاوت در انسان است. در واقع با مطالعه هی منابع می توان به این نکته پی برد که وجود هوشهای چندگانه تنها در نظریه گاردنر مورد تأکید قرار نگرفته است: برای مثال {ماریامونته سوری و جان دیویی} به ایجاد نظام های آموزشی براساس تکنیک های مشابه هوش های چندگانه اقدام کرده اند. از جمله این تکنیک ها می توان به حروف لمسی مونته سوری و رویکرد دیویی به کلاس درس به عنوان مدل کوچکی از یک اجتماع و سایر اطلاعات هوشمند مربوطه اشاره کرد. بسیاری از مدل های آموزشی رایج نیز اساساً برپایه ی نظام های هوش های چندگانه استوارند اما از اصطلاحات متفاوتی استفاده می کنند [14]

مروری بر پژوهش های صورت گرفته

مهر محمدی (۱۳۸۸) در پژوهش خود اشاره می کند که نظریه هوش چندگانه پارادایمی است که متصدیان تعلیم و تربیت را با افقی جدیدی از رسالت ها و مأموریت ها و در نتیجه برنامه ها و سیاست های اجرایی روبه رو می سازد [16].

3. spatial intelligence

4. bodily-kinesthetic int

5. musical int

6. interpersonal int

7. intra personal intelligence

8. naturalistic intelligence

یوسفی قصاب سرایی و خزایی (۱۳۹۱) در پژوهش خود تحت عنوان «تحلیل محتوای کتابزیست شناسی پایه دوم متوسطه بر اساس تئوری هوش های چندگانه گاردنر» به این نتیجه رسیدند که در کتاب زیست شناسی پایه دوم متوسطه، بیشتر بر هوش منطقی-ریاضی تمرکز شده و به سایر جنبه های هوش یا توجه نشده و یا بسیار کم مورد توجه قرار گرفته است. [17]

نتایج پژوهش کشاورز لشکناری و قاضی (۱۳۹۲) که به «تحلیل محتوای کتاب علوم تجربی چهارم ابتدایی بر اساس هوش های چندگانه» مبادرت نمودند نشان داد که در کتاب علوم چهارم ابتدایی بیشترین توجه به هوش های زبانی و سپس طبیعت گرایی است و به هوش منطقی-ریاضی نیز تا حدودی بیشتر از دیگر هوش ها توجه شده است. [18]

بر اساس پژوهش بدیعی و فرج اللهی (۱۳۹۳) آموزش مبتنی بر نظریه هوش های چندگانه در ارتقای یادگیری بسیار مؤثر است، به ویژه اگر این آموزش با نوع هوش فراگیران مطابقت داشته باشد. [19]

دهقانی (۱۳۸۸)، پژوهشی با عنوان تحلیل محتوای کتاب های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس مهارت های اجتماعی با توجه به دیدگاه آموزگاران انجام داده است؛ که اعم نتایج آن عبارتند از: میزان مهارت های اجتماعی در کتاب های تعلیمات اجتماعی مجموعاً در حد متوسط و متوسط به پایین است. تعداد و درصد مقوله های مهارت های اجتماعی در کتاب پایه سوم بیشتر از کتاب پایه چهارم و در کتاب پایه چهارم بیشتر از کتاب پایه پنجم می باشد. [20]

بشارت (۱۳۸۴)، تأثیر هوش هیجانی بر کیفیت روابط اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل مؤید آن است که هوش هیجانی با تقویت سلامت روانی، توان همدلی با دیگران، سازش اجتماعی، بهزیستی هیجانی، و رضایت از زندگی مشکلات بین شخصی را کاهش می دهد و زمینه بهبود روابط اجتماعی را فراهم می سازد. [21]

اسماعیلی، احدی، دلاور و شفیع آبادی (۱۳۸۳)، به بررسی تأثیر آموزش مؤلفه های هوش هیجانی بر سلامت روان پرداخته اند. تحلیل یافته های تحقیق نشان داد که آموزش مؤلفه های هوش هیجانی در افزایش سلامت روان مؤثر بوه و علائم بیماری را در مؤلفه های سلامت روان کاهش داده است. لذا آموزش مؤلفه های هوش هیجانی سبب ارتقای سلامت روانی می شود بطوری که فرد بهره بهتری در گزارش های شخصی از موفقیت در مقابله با مشکلات به دست می آورد. [22]

یافته های تحقیق پوردنجان و غباری بناب (۱۳۹۰) بیانگر آن است که آموزش مبتنی بر نظریه گاردنر، خود کارآمدی عمومی را در دانش آموزان ناشنوای هنرستانی افزایش می دهد. [23]

در پژوهش انجام شده توسط عیدی و همکاران (۱۳۹۰)، نتایج نشان می دهد که دانش آموزانی که از طریق روش تدریس مبتنی بر نظریه هوش های چندگانه آموزش دیده اند در کلیه سطوح شناختی، نسبت به دانش آموزانی که با روش سنتی آموزش دیده اند، پیشرفت تحصیلی بیشتری در درس علوم داشته اند. [24]

نتایج پژوهش داگلاس و همکاران (۲۰۰۸) که به بررسی تأثیر روش آموزش ریاضی منطبق بر نظریه هوش های چندگانه در دانش آموزان دختر و پسر پایه هشتم پرداخته اند نیز نشان می دهد که میانگین نمرات آزمون ریاضی گروه مورد تدریس با روش منطبق بر نظریه هوش های چندگانه، به طور معنی داری از گروه مورد تدریس با روش آموزش مستقیم بالاتر است. [25]

در پژوهش زی و لین (۲۰۰۹) نتایج نشان داد که در تدریس نظریه رنگ ها، دانشجویانی که به روش مبتنی بر نظریه گاردنر بر یادگیری آموزش دیده اند در روش منطبق بر هر هوش، به طور معنی داری یادگیری بالاتری نسبت به دانشجویان آموزش دیده به روش سنتی داشته اند. [26]

در پژوهش اسمیت 3 و همکاران (۲۰۱۱)، با عنوان تأثیر سبک های آموزشی (ناشی از نظریه هوش های چندگانه) بر میزان یادسپاری و تسلط بر موضوع، نتایج بیانگر آن است که یادسپاری دانش آموزان در سبک تدریس منطبق بر هوش غالب در آنها بیشتر از دیگر دانش آموزانی است که در آن هوش ضعیف ترند. [27]

پرسی که این پژوهش در تلاش به پاسخگویی به آن می باشد عبارت است از: میزان توجه به هوش های چندگانه در اهداف مصوب دروس مطالعات اجتماعی دوره ی ابتدایی چگونه است؟

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا است که از روش توصیفی جهت مشخص نمودن مولفه های هوش های چندگانه و از روش تحلیل محتوا به منظور بررسی و تحلیل محتوای دروس مطالعات اجتماعی استفاده شده است. در تحقیق توصیفی، در پی توصیف عینی، واقعی و منظم خصوصیات یک موضوع هستیم و قصد هیچ گونه دخالت و یا استنتاج ذهنی از داده ها را نداریم، بلکه قصد نشان دادن وضعیت موجود است [28]. هدف پژوهش حاضر این است که با تحلیل واحد های گوناگون کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی (پایه های سوم، چهارم، پنجم، ششم)، میزان کاربرد مولفه های هوش های چندگانه گاردنر در شکل گیری محتوای کتب مورد نظر، سنجیده شود. واحد

های تحلیل به صورت جمله در نظر گرفته شده است. مطالب هر پایه تحصیلی در سه قسمت متن، تصاویر و تمارین تحلیل شده است. محقق با مطالعه دقیق و موشکافانه نظریه هوش های چندگانه گاردنر، با توجه به تعریف هر یک از هوش ها و تجزیه هر یک از آن ها به نشانگرهای عملی، چک لیست هوش های چندگانه را تنظیم نمود سپس همه ی واحد های محتوا موجود در متن، تصاویر، خود آزمایی، بیشتر بدانید و فعالیت کل کتب مطالعات اجتماعی را در طبقات مشخص چک لیست قرار داد. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی (جدول فراوانی، درصد فراوانی و نمودار) استفاده شد در واقع، پژوهشگر از لحاظ تشخیص اینکه هر یک از واحد های محتوا در کدام یک از طبقه هوش ها قرار می گیرند، سعی کرده است تا تمام شرایط عملیاتی تحلیل محتوا را رعایت کند.

جامعه و نمونه ی آماری

جامعه ی آماری پژوهش در بخش تحلیل محتوا، محتوای دروس علوم اجتماعی دوره ی ابتدایی می باشد که از این جامعه کتاب های درسی مطالعات اجتماعی پایه ی سوم، چهارم، پنجم و ششم برای مطالعه انتخاب شده اند.

ابزار و روایی و پایایی پژوهش

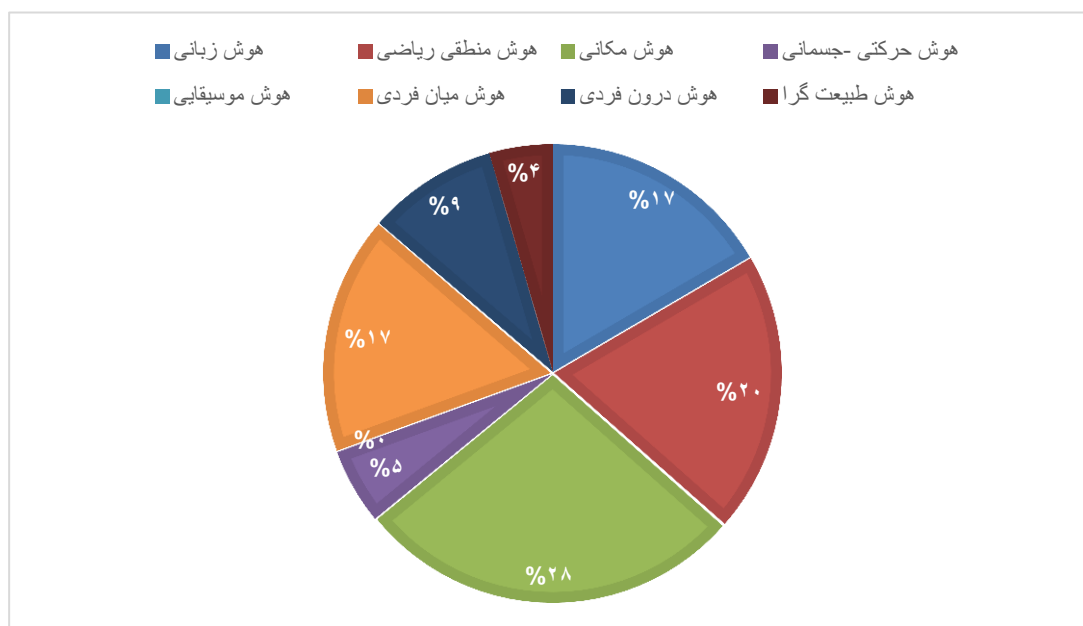
ابزار گرد آوری داده ها مولفه های تدوین شده برای تحلیل اهداف مصوب و تحلیل کتاب های درسی و تحلیل تصاویر در واحد تحلیل جمله ها و تصاویر مندرج در متن کتاب های درسی و در شرایط گوناگون تمارین فعالیت ها و سؤال ها بود. وبه منظور پاسخ به مسئله مورد نظر که چه میزان به هوش های چندگانه گاردنر در محتوای مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی توجه شده است ابتدا با استفاده از مولفه های تدوین شده هوش کلامی، هوش منطقی، هوش مکانی، هوش حرکتی، هوش موسیقایی، هوش میان فردی، هوش درون فردی و هوش طبیعت گرا و محتوای کتاب های درسی پرداخته شد.

یافته های پژوهش

توزیع میزان توجه به هوش های چندگانه در اهداف مصوب در کتاب مطالعات اجتماعی پایه سوم ابتدایی

مولفه	بخش کتاب	فراوانی	درصد فراوانی	جمع فراوانی	جمع درصد فراوانی
هوش زبانی	تصویر	۰	۰	۹۴	16.4
	متن	۱۱	11.7		
	تمرین	۸۳	88.3		
هوش منطقی_ریاضی	تصویر	۱۰	8.9	۱۱۳	19.7
	متن	۲۳	20.35		
	تمرین	۸۰	70.8		
هوش مکانی	تصویر	۹۹	63.1	۱۵۷	27.25
	متن	۵	3.2		
	تمرین	۵۳	33.7		
هوش حرکتی_جسمانی	تصویر	۱۲	40	۳۰	5.3
	متن	۱	3.33		
	تمرین	۱۷	56.7		
هوش موسیقایی	تصویر	۰	۰	۰	۰
	متن	۰	۰		
	تمرین	۰	۰		
هوش میان فردی	تصویر	۳۱	32.3	۹۶	16.7
	متن	۲۶	27.08		
	تمرین	۳۹	40.62		
هوش درون فردی	تصویر	۱۶	30.8	۵۲	9.1
	متن	۴	7.69		

		61.53	۳۲	تمرین	
4.4	۲۵	76	۱۹	تصویر	هوش طبیعت گرا
		12	۳	متن	
		12	۳	تمرین	
100	۵۷۶	30.01	۱۸۷	تصویر	جمع کل
		11.71	۷۳	متن	
		49.27	۳۰۷	تمرین	

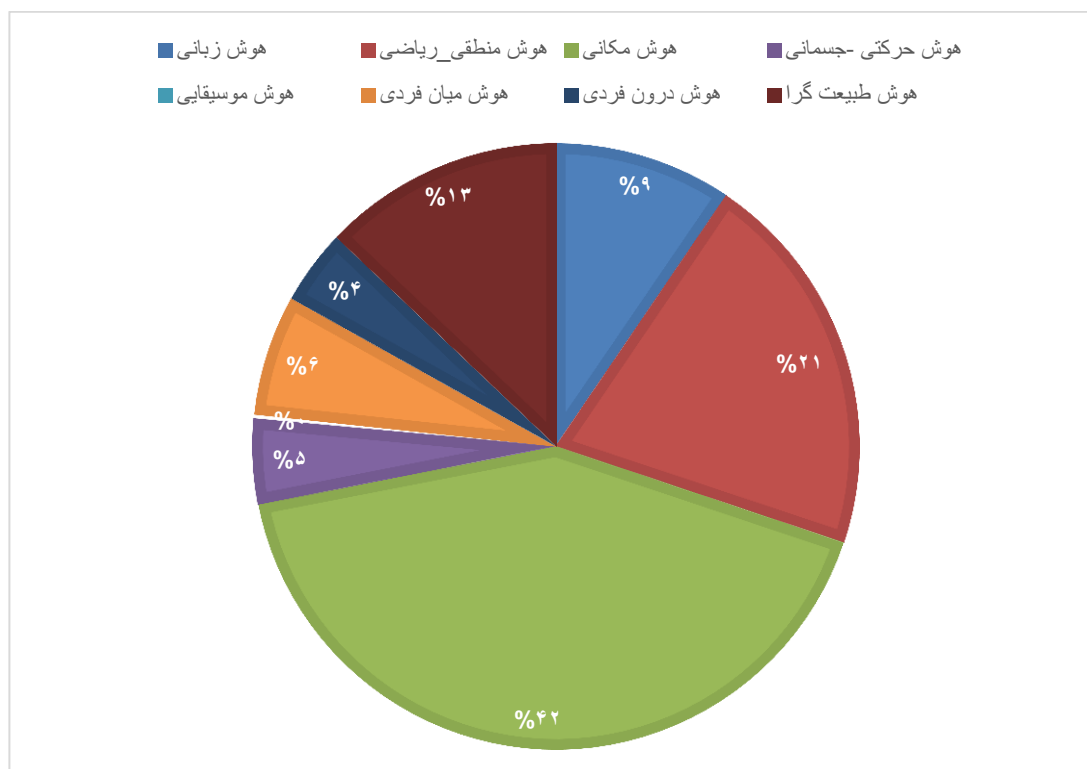


نتایج حاصل از تحلیل اهداف مذکور در کتاب مطالعات اجتماعی پایه سوم ابتدایی نشانگر این است که هوش مکانی با ۱۵۷ فراوانی و ۲۷.۲۵ درصد فراوانی بیشترین هوش بکار رفته در این کتاب و هوش موسیقایی با صفر فراوانی کمترین هوش بکار رفته در این کتاب می باشد. همچنین در تصاویر این کتاب هوش مکانی با ۹۹ تکرار و ۶۳.۱ درصد فراوانی بیشترین فراوانی داشته است و در متن این کتاب هوش میان فردی با ۲۶ تکرار و ۲۷.۰۸ درصد بیشترین تکرار و در تمرین این کتاب نیز هوش زبانی با ۸۳ تکرار و ۸۸.۳ درصد بیشترین فراوانی را داشته است.

جدول توزیع میزان توجه به هوش های چندگانه در اهداف مصوب در کتاب مطالعات اجتماعی پایه چهارم ابتدایی

مؤلفه	بخش کتاب	فراوانی	درصد فراوانی	جمع فراوانی	جمع درصد فراوانی
هوش زبانی	تصویر	0	۰	۷۸	9.47
	متن	7	8.98		
	تمرین	71	91.02		
هوش منطقی-ریاضی	تصویر	14	8.24	۱۷۰	20.65
	متن	69	40.58		
	تمرین	87	51.17		
هوش مکانی	تصویر	232	67.45	۳۴۴	41.79
	متن	18	5.23		
	تمرین	94	27.32		

4.49	۳۷	5.41	2	تصویر	هوش حرکتی_جسمانی
		۰	0	متن	
		94.59	35	تمرین	
0.24	۲	۰	0	تصویر	هوش موسیقایی
		۰	0	متن	
		100	2	تمرین	
6.43	۵۳	37.74	20	تصویر	هوش میان فردی
		13.2	7	متن	
		49.05	26	تمرین	
4	۳۳	24.25	8	تصویر	هوش درون فردی
		54.54	18	متن	
		21.21	7	تمرین	
12.87	۱۰۶	79.25	84	تصویر	هوش طبیعت گرا
		6.6	7	متن	
		14.15	15	تمرین	
100	۸۲۳	43.74	360	تصویر	جمع کل
		15.3	126	متن	
		40.94	337	تمرین	

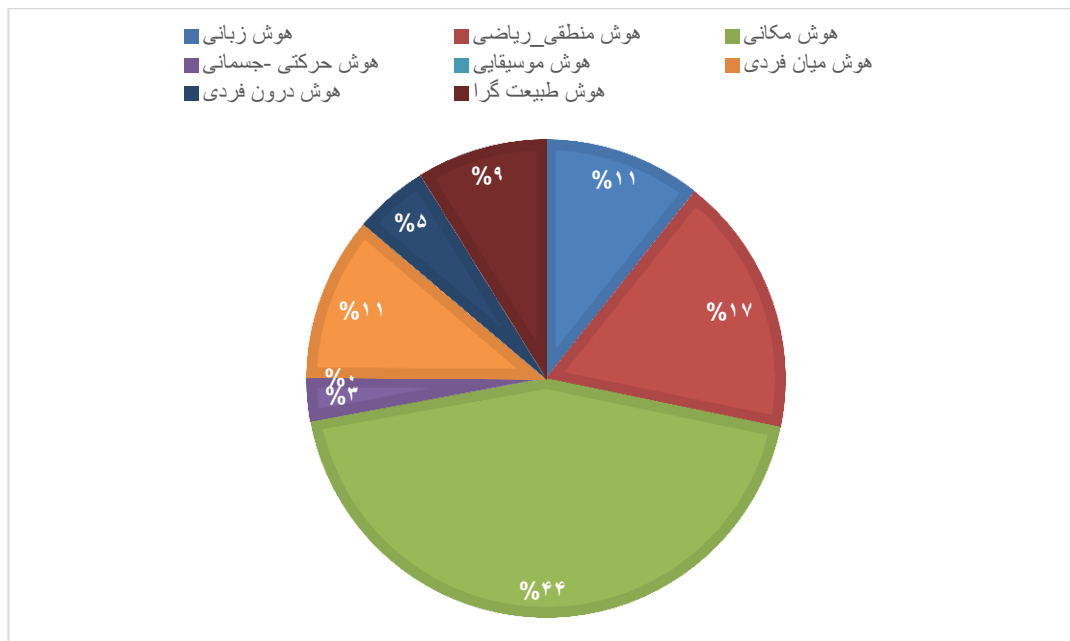


نتایج حاصل از تجربیات اهداف مذکور در کتاب مطالعات اجتماعی پایه چهارم ابتدایی نشانگر این است که هوش مکانی با ۳۴۴ تکرار و درصد فراوانی ۴۱.۷۹ بیشترین مولفه بکار رفته در این کتاب است. و هوش موسیقایی با ۲ تکرار و درصد فراوانی ۰.۲۴ کمترین مولفه بکار رفته در این کتاب می باشد. در تصاویر این کتاب هوش مکانی با ۲۳۲ فراوانی و درصد فراوانی ۶۷.۴۵ بیشترین مولفه بکار رفته می

باشد. در میان متن این کتاب هوش منطقی_ریاضی با ۶۹ فراوانی و درصد فراوانی ۴۰.۵۸ بیشترین هوش بکار رفته می باشد. و در میان تمارین این کتاب به هوش مکانی با ۹۴ فراوانی و ۲۷.۳۲ درصد فراوانی بیشترین توجه شده است.

جدول توزیع میزان توجه به هوش های چندگانه در اهداف مصوب در کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم ابتدایی

مؤلفه	بخش کتاب	فراوانی	درصد فراوانی	جمع فراوانی	جمع درصد فراوانی
هوش زبانی	تصویر	0	۰	98	10.65
	متن	17	17.35		
	تمرین	81	82.65		
هوش منطقی_ریاضی	تصویر	17	10.5	۱۶۲	17.6
	متن	39	24.07		
	تمرین	106	65.43		
هوش مکانی	تصویر	286	70.8	۴۰۴	43.91
	متن	15	3.71		
	تمرین	103	25.49		
هوش حرکتی_جسمانی	تصویر	0	۰	۲۷	2.93
	متن	0	۰		
	تمرین	27	100		
هوش موسیقایی	تصویر	0	۰	۰	۰
	متن	0	۰		
	تمرین	0	۰		
هوش میان فردی	تصویر	13	12.8	۱۰۲	11.08
	متن	52	50.98		
	تمرین	37	36.27		
هوش درون فردی	تصویر	0	۰	۴۶	5
	متن	24	52.18		
	تمرین	22	47.82		
هوش طبیعت گرا	تصویر	53	65.44	۸۱	8.8
	متن	20	24.69		
	تمرین	8	9.87		
جمع کل	تصویر	369	40.1	۹۲۰	100
	متن	167	18.15		
	تمرین	384	41.73		

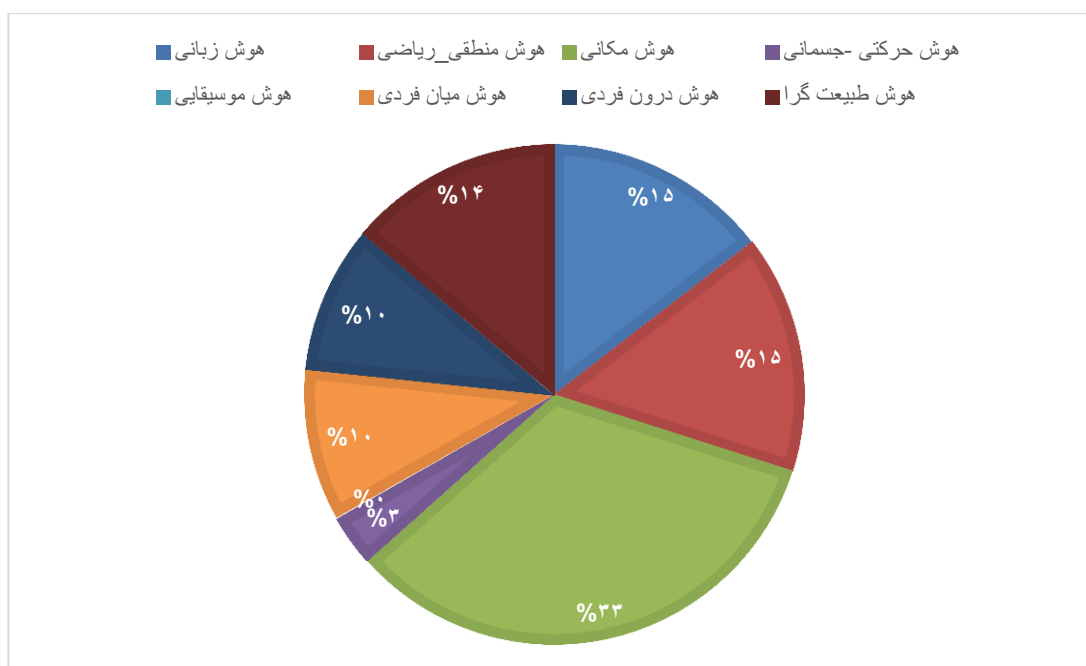


نتایج حاصل از تجربیات اهداف مذکور در کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم ابتدایی بیانگر این است که هوش مکانی با ۴۰.۴ فراوانی و درصد فراوانی ۴۳.۹۱ بیشترین هوش بکار رفته در این کتاب می باشد و به هوش موسیقایی با ۰ فراوانی توجهی نشده است. در بین تصاویر این کتاب به هوش مکانی با ۲۸۶ تکرار و درصد فراوانی ۷۰.۸ بیشترین توجه شده است. و در میان متن این کتاب به هوش میان فردی با ۵۲ تکرار و درصد فراوانی ۵۰.۹۸ بیشترین توجه شده است. و همچنین در تمارین این کتاب هوش منطقی ریاضی با ۱۰۶ تکرار و درصد فراوانی ۶۵.۴۳ بیشترین هوش بکار رفته می باشد.

جدول توزیع میزان توجه به هوش های چندگانه در اهداف مصوب در کتاب مطالعات اجتماعی پایه ششم ابتدایی

مؤلفه	بخش کتاب	فراوانی	درصد فراوانی	جمع فراوانی	جمع درصد فراوانی
هوش زبانی	تصویر	0	۰	۱۴۸	14.52
	متن	32	21.63		
	تمرین	116	78.37		
هوش منطقی_ریاضی	تصویر	5	3.19	۱۵۷	15.4
	متن	52	33.12		
	تمرین	100	63.69		
هوش مکانی	تصویر	225	65.99	۳۴۱	33.46
	متن	30	8.79		
	تمرین	86	25.21		
هوش حرکتی_جسمانی	تصویر	0	۰	۳۴	3.33
	متن	2	5.89		
	تمرین	32	94.11		
هوش موسیقایی	تصویر	0	۰	۱	0.098
	متن	0	۰		
	تمرین	1	100		
هوش میان فردی	تصویر	12	12	۱۰۰	9.81
	متن	39	39		

		49	49	تمرین	
9.51	۹۷	.	0	تصویر	هوش درون فردی
		55.68	54	متن	
		44.32	43	تمرین	
13.83	۱۴۱	46.1	65	تصویر	هوش طبیعت گرا
		46.8	66	متن	
		7.09	10	تمرین	
100	۱۰۱۹	30.12	307	تصویر	جمع کل
		26.98	275	متن	
		42.88	437	تمرین	

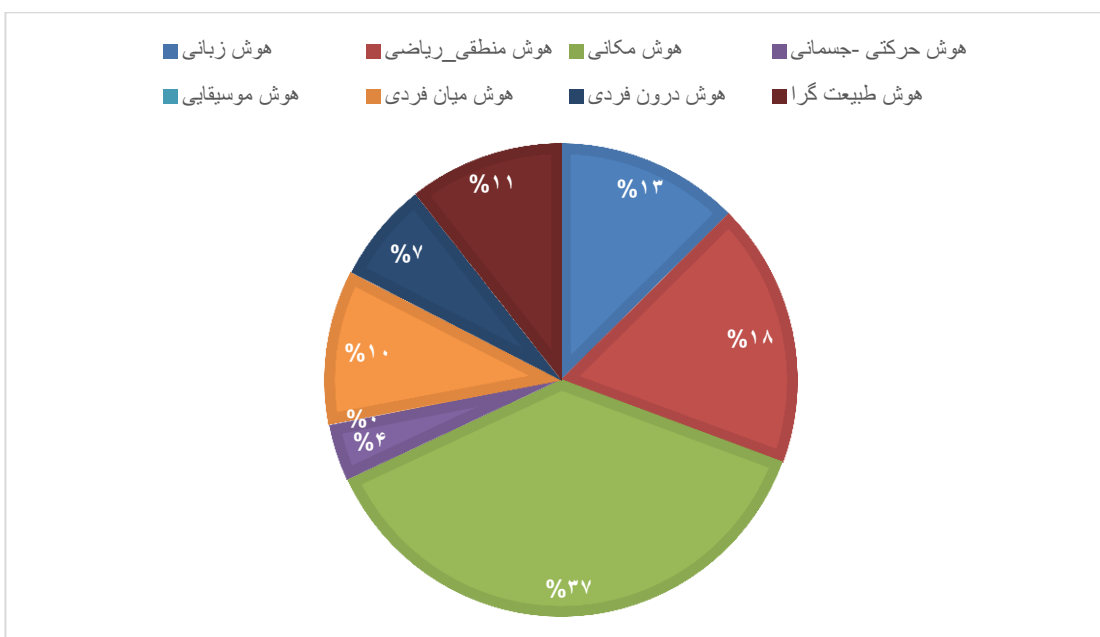


نتایج حاصل از تجربیات اهداف مذکور در کتاب مطالعات اجتماعی پایه ششم ابتدایی نشانگر این است که به هوش مکانی با ۳۴۱ فراوانی و ۳۳.۴۶ درصد فراوانی بیشترین توجه شده است و به هوش موسیقایی با ۱ فراوانی درصد فراوانی ۰.۰۹ کمترین اشاره شده است. در تصاویر این کتاب هوش مکانی با ۲۲۵ فراوانی و ۶۵.۹۹ درصد فراوانی بیشترین هوش بکار رفته می باشد. در متن این کتاب هوش طبیعت گرا با ۶۶ فراوانی و ۴۶.۸ درصد فراوانی بیشترین کاربرد را داشته است. در میان تمارین این کتاب هوش کلامی با ۱۱۶ فراوانی و ۷۸.۳۷ درصد فراوانی بیشترین تکرار را داشته است.

جدول توزیع میزان توجه به هوش های چندگانه در اهداف مصوب در کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی

مولفه	بخش کتاب	فراوانی	درصد فراوانی	جمع فراوانی	جمع درصد فراوانی
هوش زبانی	تصویر	.	.	۴۱۸	12.56
	متن	۶۷	16.03		
	تمرین	۳۵۱	83.97		
هوش منطقی-ریاضی	تصویر	۴۶	7.65	۶۰۲	18.09
	متن	۱۸۳	30.39		

		61.96	۳۷۳	تمرین	
37.46	۱۲۴۶	67.58	۸۴۲	تصویر	هوش مکانی
		5.45	۶۸	متن	
		26.96	۳۳۶	تمرین	
		10.94	۱۴	تصویر	
3.84	۱۲۸	2.34	۳	متن	هوش حرکتی-جسمانی
		86.71	۱۱۱	تمرین	
		0	0	تصویر	
0.09	۳	0	0	متن	هوش موسیقایی
		100	۳	تمرین	
		21.65	۷۶	تصویر	
10.55	۳۵۱	35.33	۱۲۴	متن	هوش میان فردی
		43.01	۱۵۱	تمرین	
		10.53	۲۴	تصویر	
6.85	۲۲۸	43.85	۱۰۰	متن	هوش درون فردی
		45.61	۱۰۴	تمرین	
		62.61	۲۲۱	تصویر	
10.61	۳۵۳	27.19	۹۶	متن	هوش طبیعت گرا
		10.19	۳۶	تمرین	
		36.77	۱۲۲۳	تصویر	
100	۳۳۲۶	19.27	۶۴۱	متن	جمع کل
		43.95	۱۴۶۲	تمرین	



نتایج حاصل از تجربیات اهداف مذکور در کل کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی (پایه سوم، چهارم، پنجم و ششم) حاکی از این است که هوش مکانی با ۱۲۴۶ فراوانی و با ۳۷.۴۶ درصد فراوانی بیشترین هوش بکار رفته در این کتب می باشد. و هوش موسیقایی با ۳

فراوانی و ۰.۰۹ درصد فراوانی کمترین هوش بکار رفته در این کتب می باشد. همچنین در تصاویر این کتب هوش مکانی با ۸۴۲ فراوانی و ۶۷.۵۸ درصد فراوانی بیشترین هوش بکار رفته می باشد.

در متن این کتب نیز به هوش منطقی_ریاضی با ۱۸۳ فراوانی و ۳۰.۳۹ درصد فراوانی بیشترین توجه شده است. در تمرین این کتب نیز به هوش منطقی_ریاضی با ۳۷۳ فراوانی و ۶۱.۹۶ درصد فراوانی بیشترین اهمیت داده شده است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج تحلیل محتوای کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی براساس هوش های چندگانه برای تمام دروس صورت پذیرفت نشان داد که این کتب به تمام ابعاد هوش های چندگانه توجه کافی نکرده اند، که در این بین هوش مکانی ۳۷.۴۶٪، هوش منطقی-ریاضی ۱۸.۰۹٪، هوش زبانی ۱۲.۵۶٪، هوش طبیعت گرا ۱۰.۶۱٪، هوش میان فردی ۱۰.۵۵٪، هوش حرکتی-جسمانی ۳.۸۴٪ و هوش موسیقایی ۰.۰۹٪ از حجم کتاب را به خود اختصاص داده اند.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که در این چهار کتاب کمترین توجه به هوش موسیقایی شده است بطوریکه در مجموع ۳ فراوانی را در تمام این محتوا می شود پیدا کرد. در هر چهار کتاب بیشترین توجه به هوش مکانی شده است. که در این میان کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم با ۴۰۴ فراوانی بیشترین توجه را داشته است. و پس از آن به ترتیب کتاب پایه چهارم ابتدایی با ۳۴۴ و کتاب پایه ششم ابتدایی با ۳۴۱ و کتاب پایه سوم با ۱۵۷ فراوانی قرار دارند.

- به هوش زبانی در پایه ششم ابتدایی بیشترین توجه شده است.
- به هوش منطقی-ریاضی در پایه چهارم ابتدایی بیشترین توجه شده است.
- به هوش مکانی در پایه پنجم ابتدایی بیشترین توجه شده است.
- به هوش حرکتی-جسمانی در پایه چهارم ابتدایی بیشترین توجه شده است.
- به هوش موسیقایی در پایه چهارم ابتدایی بیشترین توجه شده است.
- به هوش میان فردی در پایه پنجم ابتدایی بیشترین توجه شده است.
- به هوش درون فردی در پایه ششم ابتدایی بیشترین توجه شده است.
- به هوش طبیعت گرا در پایه ششم ابتدایی بیشترین توجه شده است.

نتایج حاصل از تحقیق بیانگر این است که از تمام هوش های چندگانه به توازن استفاده نشده است و همچنین در این کتاب ها از مولفه های هوش های چندگانه در قالب های مختلف محتوا مانند متن، تمرین و تصاویر به یک نسبت استفاده نشده است. و مولفه های هوش در کل کتب به طور متقارن به کار گرفته نشده است و عمده ی مطالب با توجه به هوش مکانی-تصویری ارائه شده است. نتایج تحقیق حاضر با تحقیق یوسفی قصاب سرایی و خزایی [۱۷] که در پژوهش خود با عنوان «تحلیل محتوای کتاب زیست شناسی پایه دوم متوسطه بر اساس تئوری هوش های چندگانه گاردنر» به این نتیجه رسیدند که در کتاب زیست شناسی پایه دوم متوسطه، بیشتر بر هوش منطقی-ریاضی توجه شده است همسو است؛ با این تفاوت که در این تحقیق بیشترین توجه به هوش مکانی شده است.

منابع و مراجع

- [۱] ملکی، حسن (۱۳۸۸). برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل). تهران: انتشارات مدرسه.
- [2] Dogbey, J. K. (2010). "Concepts of variable in middle-grades mathematics textbooks during four eras of mathematics education in the United States". Graduate School Theses and Dissertations.
- [۳] مک لم، گایل ال (۱۳۹۰). تنظیم هیجان کودکان. ترجمه احمد رضا کیانی و فاطمه بهرامی، تهران: کتاب ارجمند (با همکاری انتشارات ارجمند و نسل فردا)، چاپ اول. تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی (۲۰۰۷).
- [۴] ملکی، حسن (۱۳۷۸)، کتاب درسی، طراحی و تالیف. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی. چاپ اول.
- [۵] آقازاده، احمد. (۱۳۸۵). مسایل آموزش و پرورش ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- [۶] یارمحمدیان، محمد حسین (۱۳۷۷). اصول برنامه ریزی درسی. تهران: انتشارات یادواره کتاب.
- [۷] نوری، علی. (۱۳۹۰). تدوین چارچوب مفهومی برنامه درسی سازگار با شعر. پایان نامه دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- [۸] کیامرثی، آذر و مومنی، سوپیل. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و شادکامی با پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دختران دبیرستانی. فصل نامه روان شناسی مدرسه. دوره ۲، پیاپی: ۱۳۰-۱۱۹.
- [۹] رضوانی، رضا. امیری، طیبیه (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کتب آموزش زبان انگلیسی منتخب دانشگاهی از نظر میزان توجه به هوش های چندگانه. فصلنامه علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۹۲، پیاپی.
- [10] sternburg R J . 8Grigorenko E L.(2002).The general factor of intelligence :How is it?
- [11] Gardner, H. (1999). *Intelligence Reframed: Multiple Intelligence for the 21st Century*. New York: Basic Books.
- [12] Gardner, Howard. (1993) "Multiple Intelligences: The Theory in Practice." New York: Basic Books.
- [13] Gardner, H. (1983). *Frames of Mind: The Theory of Multiple Intelligences*. New York: Basic Books.
- [۱۴] آرمسترانگ، توماس (۲۰۰۱). هوشهای چند گانه در کلاس در . س ترجمه صفری، مهشید (۱۳۸۷)
- [15] Gangi, S. (2011). *Differentiating instruction using multiple intelligences in the elementary school classroom: A literature review*. University of Wisconsin
- [۱۶] مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۸) برنامه درسی :نظرها، رویکردها و چشم اندازه. چاپ سوم، تهران : آستان قدس رضوی
- [۱۷] یوسفی قصاب سرایی، مریم و خزائی، کامیان. (۱۳۹۱). تحلیل و محتوای کتاب زیست شناسی پایه دوم متوسطه بر اساس تئوری هوش های چند گانه گارد نر. فصل نامه پژوهش در برنامه ریزی درسی. دوره ۹، ۱(۳۲): ۲۷-۱۶.
- [۱۸] کشاورز لشکناری، روح اله و قاضی، راضیه. (۱۳۹۲). تحلیل و محتوای کتاب علوم تجربی چهارم ابتدایی بر اساس هوش های چندگانه . اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی ، مطالعات اجتماعی و فرهنگی . ۱۰۷.
- [۱۹] بدیعی، الهه و فرج الهی، مهران 13 (۰ ۱۰) 3 تأثیر محتوای الکترونیک ساخته شده بر اساس هوشهای درون فردی و بین فردی گاردنر، بر یادگیری دانش آموزان ، فصلنامه فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی . دوره ۴، ۴(پیاپی ۱۶): صفحه ۳۸-۲۳.
- [۲۰] دهقانی، مرضیه (۱۳۸۸). تحلیل محتوای کتابهای تعلیمات اجتماعی دوره ی ابتدائی بر اساس مهارتهای اجتماعی با توجه به دیدگاه آموزگاران. فصل نامه نو آوریهای آموزشی، شماره ۳۱، سال هشتم، پاییز ۸۸، صص ۱۲۱-۱۴۸
- [۲۱] بشارت، محمد علی (۱۳۸۴). بررسی تاثیر هوش هیجانی بر کیفیت روابط اجتماعی، فصل نامه مطالعات روانشناختی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا(س)، دوره اول، شماره ۲، بهار و تابستان ۸۴، صص ۲۵-۲۸
- [۲۲] اسماعیلی، معصومه؛ علی دلاور؛ عبدالله شفیع آبادی و احدی. (۱۳۸۶). بررسی اثر بخشی آموزش مولفه های هوش هیجانی بر افزایش سلامت روان. فصلنامه روان پزشکی و روانشناسی بالینی ایران شماره ۴۹، شهریور ۸۶ .
- [۲۳] پوردنجانی، رحیم و غباری بناب، باقر (۱۳۹۰) . تأثیر مداخله ای آموزش مبتنی بر نظریه گاردنر بر خودکارآمدی دانش آموزان ناشنوای هنرستانی شهر اصفهان، مجله پژوهشهای علوم شناختی و رفتاری ، سال اول، شماره اول، پیاپی ۱، ۷۳-۸۶

- [۲۴] عبدی، علی،، نوروزی، داریوش،، ملکی، حسن و ابراهیمی قوام، صغری (۱۳۹۰) .مقایسه اثربخشی راهبرد تدریس مبتنی بر هوش چندگانه و روش متداول بر پیشرفت تحصیلی و نگرش به یادگیری درس علوم دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی، فصلنامه نوآور یهای آموزشی ۱۰(۱) ، پیاپی ۳۷ ، ۱۰۱ تا ۱۲۰
- [25] Douglas, O., Burton, K.S. & Reese-Durham, N. (2008). Journal of Instructional Psychology, 32(2),182-87 Psychology, 32(2),182-187 Douglas, O., Burton, K.S. & Reese-Durham, N.(2008). Journal of Instructional Psychology, 32(2),182-187.
- [26] Xie, J.,& Lin, R. (2009). Research on Multiple Intelligences Teaching and Assessment. Asian Journal of Management and Humanity Sciences, 4(2-3). 106-124.
- [27] Smith, G. H.(2011). The Effect of Teaching Style (taken from the Theory of Multiple Intelligences) on Retention Rate and Mastery of Topic, Heathwood Hall Episcopal School. Available from: www.heathwood.org/ourprogram/SCJAS11doc/gSmith.pdf, Accessed 2013/4/3,2:55
- [۲۸] دلاور، علی (۱۳۸۰). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: انتشارات رشد.